

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام
 على محمد وآله الطاهرين والسلام على أزواجهم أعيان المؤمنين وأصحاب
 البررة الميامين وبعد يا بيان نامة ما نشأ آهوه غنة محترمه خانم
 عيودت را مطالعه کردم بحث های ایشان را شنیدم تقدیر یافتم
 همه دارم که ایشان همه توانایی های اصراف تبلیغ نمایند و بارکی

از ایشان قبول فرمایید
 عن اسواله هون

وزارت علوم و تحقیقات و فناوری
دانشکده اصول الدین

پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

موضوع :

روش شناسی ابن عاشور در تفسیر التحریر و التنویر

استاد راهنما :

حجت الاسلام محمد علی مهدوی راد

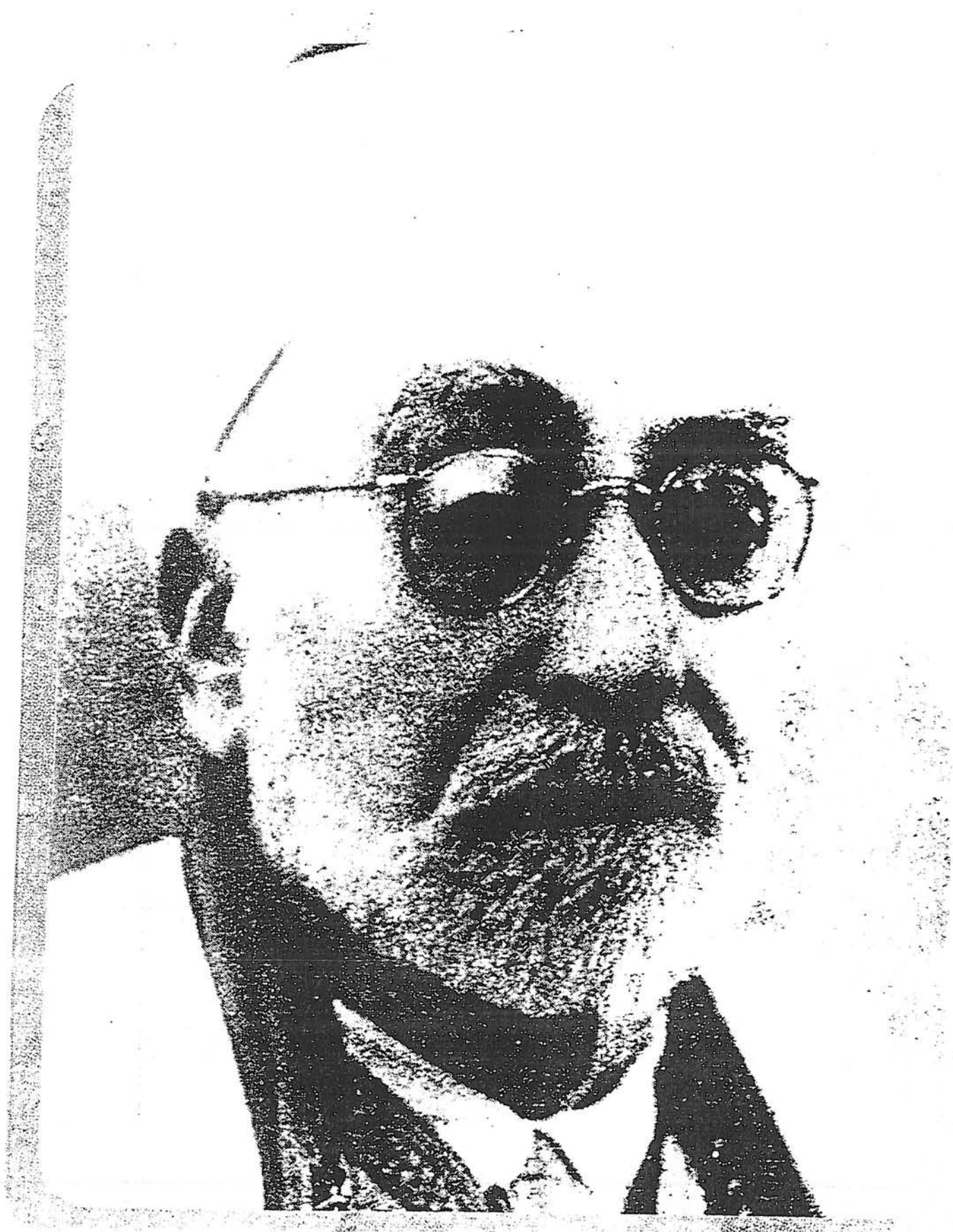
استاد مشاور :

دکتر مجید معارف

نگارش :

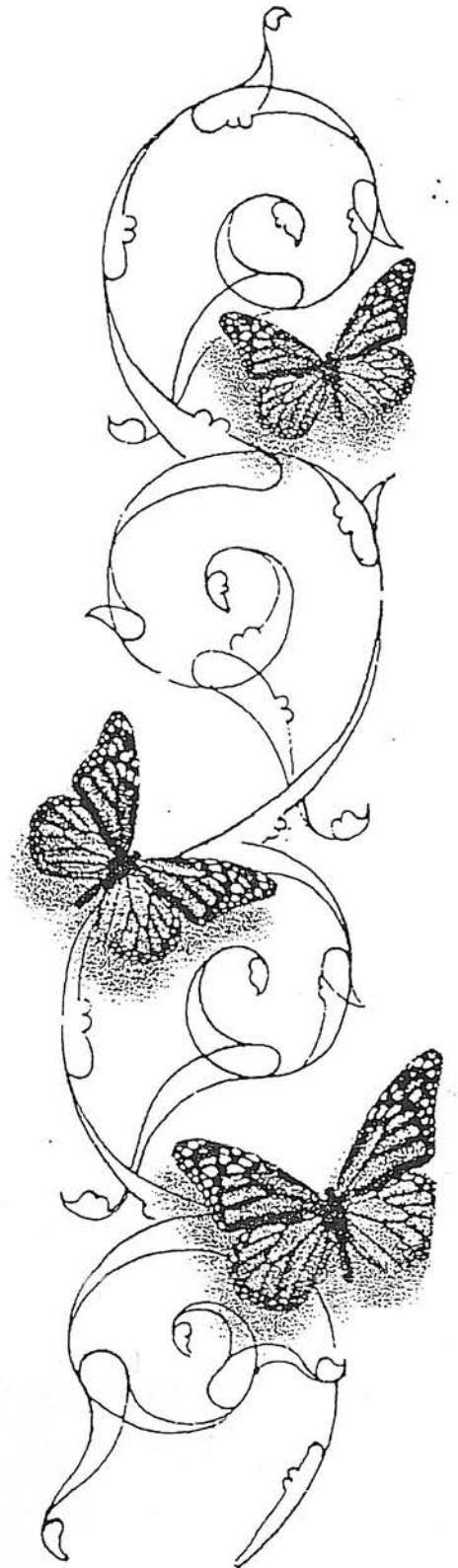
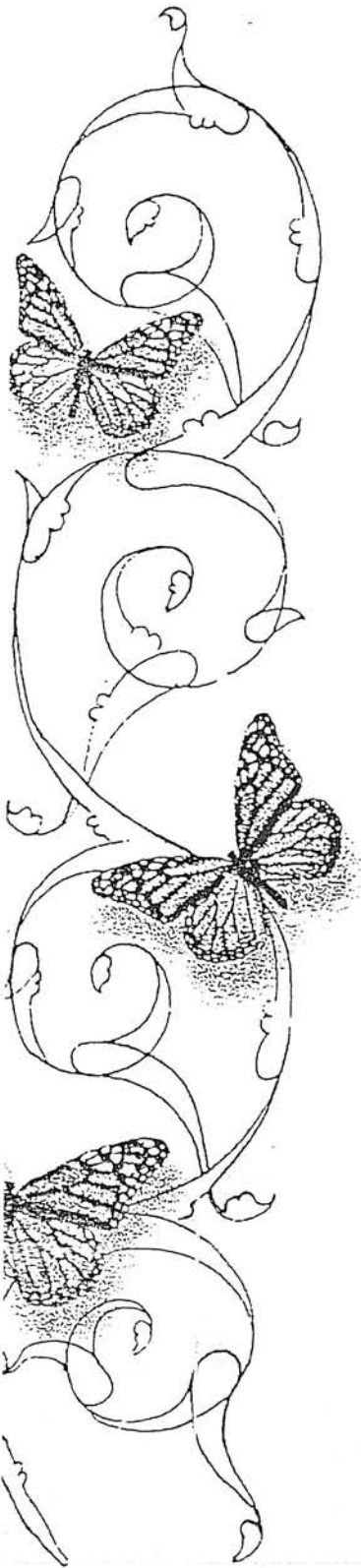
فریده عبودیت

نیم سال دوم ۸۰ - ۱۳۷۹



... وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ

تقدیم به آستان مردی که روح الله بود و روح جانبخش
قرآن را به جامعه انسانی بازگرداند.
و نیز هدیه به جاری نور در بستر ولایت، به او که حافظ
دستاوردهای این تلاش روحانی گشت.
سلام و درود بر ارواح طیبه شهدا و امام شهدا



فهرست مطالب

۱	تشکر و قدردانی
۲	چکیده
۳	مقدمه
۳	پیشینه تحقیق
۴	اهداف و ضرورت تحقیق
۴	محتوای تحقیق

بخش اول:

محمد الطاهر بن عاشور

۷	فصل اول: محیط سیاسی، فرهنگی
۹	فصل دوم: زندگینامه
۹	الف) ولادت، رشد، بالتدگی، وفات
۱۰	ب) فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی «ابن عاشور»
۱۴	فصل سوم: فعالیت‌های علمی
۱۴	الف) تحصیلات مؤلف

ب) تألیفات ۱۵

بخش دوم:

تفسیر التحریر و التنویر

۲۱	فصل اول: نگاه کلی به تفسیر.....
۲۲	الف) انگیزه مؤلف از نوشتن تفسیر.....
۲۳	ب) مشخصات تفسیر التحریر و التنویر.....
۲۵	ج) معنای تفسیر و تأویل از دیدگاه ابن عاشور.....
۲۷	د) هدف مفسر از دیدگاه ابن عاشور.....
۲۹	ه) مقدمات تفسیر از دیدگاه ابن عاشور.....
۳۰	و) منابع تفسیر التحریر و التنویر.....
۳۰	۱. منابع لغوی.....
۳۱	۲. منابع ادبی (صرف و نحو).....
۳۲	۳. معانی بیان.....
۳۲	۴. منابع حدیثی.....
۳۲	۵. منابع تفسیری.....
۳۳	۶. منابع کلامی.....
۳۴	۷. منابع تاریخی.....
۳۴	۸. منابع علوم قرآنی.....
۳۵	فصل دوم: شیوه تفسیری ابن عاشور.....
۳۶	مقدمه.....

۳۶	الف) جایگاه عقل در تفسیر
۴۲	ب) تفسیر مأثور
۴۳	جایگاه تفسیر مأثور
۵۱	چگونگی تفسیر به مأثور در تفسیر التحریر و التنویر
۵۳	روایات اسباب النزول
۵۷	اسرائیلیات در التحریر و التنویر
۵۹	ج) تفسیر قرآن به قرآن
۶۱	چگونگی استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن در التحریر و التنویر
۶۶	د) رویکرد کلامی در تفسیر
۶۷	ه) رویکرد فلسفی در تفسیر
۶۸	و) رویکرد عرفانی در تفسیر
۷۲	ز) رویکرد ادبی در تفسیر
۷۸	ح) رویکرد علمی در تفسیر
۸۲	ط) رویکرد سیاسی، اجتماعی در تفسیر
۸۶	فصل سوم: مسائل کلامی در التحریر و التنویر
۸۷	۱. عصمت پیامبران
۹۴	۲. عدالت صحابه
۹۵	الف) صحابه در لغت و اصطلاح
۹۶	ب) معنای «عدالت صحابه»
۹۸	ج) صحبة و صحابه در التحریر
۱۰۱	د) فضائل موهوم در التحریر و التنویر

۱۰۲	۱. فضائل خلفا در التحریر
۱۰۶	۲. فضائل بنی امیه و دفاع از ایشان در التحریر
۱۱۰	۵. ردّ نظریه عدالت صحابه
۱۱۰	۱. دلایل عقلی
۱۱۳	۲. دلایل نقلی از قرآن و سنت پیامبر
۱۱۹	۳. دلایل تاریخی
۱۲۷	و) انگیزه‌ها و زمینه‌های پیدایش نظریه عدالت صحابه
۱۳۷	۳. امامت و رهبری
۱۳۷	الف) معنای امامت
۱۳۷	ب) ضرورت امامت و رهبری
۱۳۸	ج) ابعاد و شئون رهبری
۱۴۱	د) چگونگی انتخاب رهبر
۱۴۷	۴. صفات خداوند و رؤیت او
۱۴۷	الف) دیدگاه اشاعره
۱۴۸	ب) دیدگاه معتزله
۱۵۱	ج) دیدگاه ابن عاشور
۱۵۳	۵. شفاعت
۱۵۵	فصل چهارم: اهل بیت در التحریر و التنویر
۱۵۶	مقدمه: تبیین جایگاه اهل بیت
۱۵۶	۱. حدیث ثقلین
۱۶۰	۲. حدیث سفینه

- ۱۶۱ ۳. حدیث ولایت
- ۱۶۱ ۴. حدیث مودّة
- ۱۶۲ دیدگاه ابن عاشور ذیل آیات مربوط به اهل بیت و نقد و بررسی آن
- ۱۶۳ ۱. آیه ۶۱ سوره آل عمران (آیه مباحله)
- ۱۶۳ نقد و بررسی
- ۱۶۷ ۲. آیه ۳ سوره مائده (آیه اکمال)
- ۱۷۰ ۳. آیه ۶۷ سوره مائده (آیه تبلیغ)
- ۱۷۳ نقد و بررسی
- ۱۸۷ ۴. آیه ۵۵ سوره مائده (آیه ولایت)
- ۱۹۲ ۵. آیه ۱۷ سوره هود
- ۱۹۶ ۶. آیه ۴۳ سوره رعد
- ۱۹۷ نقد و بررسی
- ۱۹۹ ۷. آیه ۲۱۴ سوره شعراء
- ۲۰۲ ۸. آیه ۲۳ سوره احزاب
- ۲۰۵ ۹. آیه ۳۳ سوره احزاب (آیه تطهیر)
- ۲۰۸ نقد و بررسی
- ۲۱۵ ۱۰. آیه ۵۶ سوره احزاب
- ۲۱۶ نقد و بررسی
- ۲۱۹ ۱۱. آیه ۲۳ سوره شوری (آیه مودّة)
- ۲۲۰ نقد و بررسی
- ۲۲۳ ۱۲. آیه ۱۲ و ۱۳ سوره مجادله

۲۲۵	نقد و بررسی
۲۲۸	۱۳. سوره انسان تا آیه ۲۲
۲۲۹	نقد و بررسی
۲۳۳	فصل پنجم: علوم قرآنی در التحریر و التنویر
۲۳۴	مقدمه
۲۳۴	الف) جمع و تدوین قرآن
۲۴۱	ب) قرائات قرآن
۲۴۶	ج) تحریف ناپذیری قرآن
۲۵۷	د) اعجاز قرآن
۲۶۳	ه) نسخ در قرآن
۲۶۷	و) محکم و متشابه در قرآن
۲۷۰	ز) حروف مقطعه
۲۷۳	ح) قصه‌های قرآن
۲۷۸	خاتمه
۲۸۰	فهرست منابع و مآخذ

تشکر و قدردانی

قال علی علیه السلام: الشکر ترجمان النية و لسان الطویة.

وظیفه خود می دانم ابتدا از مؤسس و بنیانگذار دانشکده اصول الدین علامه بزرگوار سید مرتضی عسگری کمال تشکر و سپاس را ابراز نمایم، از خداوند متعال توفیق هر چه بیش تر ایشان را در راه احیای مکتب اهل بیت مسألت دارم.

و نیز از استاد محترم حجة الاسلام و المسلمین محمد علی مهدوی راد، استاد راهنما که در به ثمر رسیدن این رساله، از راهنمایی های بی دریغ ایشان بسیار بهره جستیم و استاد مشاور جناب آقای دکتر مجید معارف که با تذکرات سودمند خود مرا در این پژوهش یاری نمودند سپاسگزارم و از خداوند رحمان خیر کثیر و توفیق بیش تر در راه نشر فرهنگ و معارف قرآنی را برای این عزیزان خواستارم.

زحمتهای که پدر و مادرم در طول سال های تحصیل من متحمل شده و همیشه مشوق و همراه من بوده اند گو این که شکر آن از عهده ام خارج است ولی نهایت تشکر خود را از ایشان و دختر عزیزم فاطمه، ابراز می نمایم و طول عمر با عزت و عاقبت به خیری را برای آنان خواهانم.

ربنا تقبل منا انک انت السميع العليم

چکیده

محمد طاهر بن عاشور، عالم، فقیه و مفسر معاصر تونسسی است که این رساله در پی ارزیابی مبنا و رویکردهای وی، به کنکاش در تفسیر گران سنگ *التحریر و التئویر* پرداخته است. روش ابن عاشور به عنوان مفسری عقل‌گرا، روش تفسیر قرآن به قرآن است. وی با بهره‌گیری از تسلط فراوان خود بر ادبیات عرب خصوصاً علم بلاغت و شعر کهن عرب، و با تکیه بر شناخت عمیق واژه‌شناسی، جلوه‌ای ادبی به تفسیر خود بخشیده است که بیش از هر چیز، روشن‌گر و جوه مختلف اعجاز بیانی قرآن می‌باشد.

ابن عاشور درمان و راه حل مشکلات و دردهای جوامع مسلمان را رجوع به قرآن و تطبیق عملی آن در زندگی می‌داند از این رو تفسیر او، دارای رویکردی اجتماعی سیاسی نیز می‌باشد. در مسائل کلامی نگاه او اشعری است مگر در مواردی اندک که به دیدگاه معتزله گرویده است. وی به موضوعات علوم قرآنی گاه به صورت گسترده مثل موضوع اعجاز قرآن، قرائات، ترتیب آیات و سوره و قصه‌های قرآن و گاه به صورت گذرا در تفسیر آیات مربوطه، پرداخته است.

عدم اهتمام ابن عاشور به روایات صحیح یا متواتر اسباب النزول ذیل آیات نازل شده در شأن اهل بیت مانع از آن شده که مؤلف بتواند در تفسیر این آیات راه صواب را بی‌یابد و در نتیجه تفسیر خود را از بیان مقام و منزلت این بزرگواران محروم نموده است.

مقدمه

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ؟

تفسیر قرآن کریم به روزگار رسول الله آغاز شده و در دوران صحابه به تفصیل گرایید و در زمان تابعین، و تابعین تابعین اندک اندک شکل مدوّن به خود گرفت و پس از آن با گسترش اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها و افکارگونه‌ها در حوزه فرهنگ اسلامی جریان‌های مختلف به وجود آمد و تفسیر نیز از منظر و زاویه دیدهای متفاوت به نگارش درآمد.

پیشینه تحقیق

بررسی چگونگی شکل‌گیری تفاسیر و نقد و بررسی محتوای آن‌ها و ارزیابی جهت‌گیری‌های مختلف در تفسیر و رویکردهای متفاوت مفسران گو این‌که پیشینه‌ای کهن ندارد اما اکنون از جمله بحث‌های جدی و سودمند پژوهش‌های دینی و فکری است. عالمان و متفکران در روزگار معاصر این موضوع را از دو سوی به بررسی و بحث نهاده‌اند.

۱. بحث و بررسی درباره تفسیر، چگونگی شکل‌گیری و فراز و فرود آن. آثار موجود در این موضوع که بیش‌تر به زبان عربی هستند، تحت عنوان‌هایی مثل «اتجاهات التفسیر»، «دراسات فی التفسیر»، «مناهج التفسیر»، «اصول التفسیر» و «تاریخ التفسیر» به نگارش درآمده‌اند.

۲. مطالعه و بررسی اندیشه‌ها، آرا و رویکردهای هر یک از مفسران به گونه‌ای مستقل. طبری، قرطبی، ابن

تیمیّه، بیضاوی، رازی، زمشخری، شوکانی، آلوسی، شیخ طوسی، شیخ طبرسی و علامه طباطبایی از مفسرانی هستند که روش ایشان در تفاسیرشان مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

اهداف و ضرورت تحقیق

در این پژوهش بر آنیم تا شیوه تفسیری و رویکرد یکی از مفسران بزرگ معاصر را تبیین نماییم. ابن عاشور به واقع نماینده یک جریان بزرگ فکری در مغرب اسلامی است و تفسیر «التحریر و التئویر» او یکی از بزرگ‌ترین تفاسیری است که متأسفانه بدان بی‌توجهی شده و از محتوای غنی آن بهره‌گرفته نشده است.

اهدافی که می‌توان برای پرداختن به این موضوع در نظر داشت عبارت است از:

- تبیین چگونگی ورود و خروج مفسر در تفسیر آیات.

- شناخت تأثیر اعتقادات مفسر در تفسیر آیات و چگونگی دفاع از آن.

- آشنایی با نکات مثبت و امتیازات تفسیر، و یا کمبودها و نقص‌های آن.

- ارزیابی کلی تفسیر در زمینه‌های مختلف.

و بالاخره کوششی برای پاس نهادن به تلاش خادمان قرآن.

به طور قطع محققان می‌توانند با داشتن اطلاعاتی در زمینه روش‌ها و رویکرد مفسران، استفاده بیش‌تر،

سودمندتر و آسان‌تری از تفاسیر آن‌ها داشته باشند که این امر ضرورت پرداختن هر چه بیش‌تر به این موضوع را

روشن می‌سازد.

محتوای تحقیق

این پژوهش در دو بخش و هشت فصل سامان یافته است. بخش اول که به شخصیت ابن عاشور پرداخته است

سه موضوع: ۱. محیط سیاسی و فرهنگی عصر مؤلف، ۲. زندگینامه و ۳. فعالیت‌های علمی را مورد بررسی قرار

گرفته است. «تفسیر التحریر و التئویر» موضوع بخش دوم است که مشتمل بر پنج فصل می‌باشد.

انگیزه مؤلف از تفسیر و آن‌چه شایسته است هدف مفسر در تفسیر باشد و مقدمات لازم برای ورود به

تفسیر و در نهایت منابع مفسّر در تفسیر مطالب فصل اوّل را تشکیل می‌دهد. در فصل دوم روش‌های مختلف تفسیری و رویکردهای متفاوت مفسران مطرح شده و حدود بهره‌گیری و استفاده و تأثیرپذیری ابن عاشور از این روش‌ها در تفسیر التحریر و التنویر تبیین شده است. بعضی از مسائل مهم کلامی همچون عصمت انبیا، عدالت صحابه، امامت و رهبری در تفسیر التحریر و التنویر مورد مذاقّه و ملاحظه قرار گرفته است که نتایج آن در فصل سوم آورده شده است. «اهل بیت در تفسیر التحریر و التنویر» عنوان فصل چهارم است که در آن چگونگی رویارویی ابن عاشور با بعضی از آیات مربوط به اهل بیت مورد نقد و بررسی قرار گرفته است و در نهایت آرا و اندیشه‌های ابن عاشور در مهمترین موضوعات علوم قرآن مطالب فصل پنجم را تشکیل می‌دهد.

روشن است که نگاه ابن عاشور به لحاظ کلامی اشعری و به لحاظ فقهی مالکی است، طبیعی است که ما در مواردی با او هم‌سو نباشیم و به نقد آراءش پردازیم اما این همه از اهمیت تفسیر او نمی‌کاهد. آنچه در این پژوهش آمده است نگاهی است گذرا به تفسیر التحریر و التنویر آن هم در بعضی از موضوعات، برای بررسی گسترده‌تر و دقیق‌تر مجال فراخ‌تری لازم بود که امیدوارم در زمان دیگری فراهم آید. از دریای بی‌انتهای لطف و کرامت خداوند توفیق عمل به قرآن و تأثیرپذیری از آن را می‌طلبیم و با دعایی از سیدالسّاجدین این مقدمه را به پایان می‌بریم.

«اللهم صلّ علی محمد و آله و اجعلنا ممن یتعصم بحبله و یهدی بضوء صباحه یفتدی بتبلیج اسفاره

و یتصّیح بمصباحه و لا یلتبس الهدی فی غیره.»

بارالها بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که به رسمان قرآن چنگ زده و به روشنی صبحش راه می‌یابند و از درخشندگی سپیده‌اش پیروی می‌کنند و از چراغش چراغ می‌افروزند و به غیر آن هدایت نمی‌جویند.

فریده عبودیت

۷ شوال ۱۴۲۲

بخش اوّل:

محمد الطاهر بن عاشور

فصل اوّل: محیط سیاسی فرهنگی

فصل دوم: زندگینامه

فصل سوم: فعالیت های علمی

فصل اول: محیط سیاسی، فرهنگی

جهان اسلام در دهه‌های اخیر قرن نوزدهم و آغازین قرن بیستم از دولت‌هایی متفترق و ضعیف تشکیل شده بود^۱ که پس از سال‌ها سیطره سیاسی اقتصادی و نظامی مهاجمان و سارقان اجنبی به انسانی می‌ماند که ضعف و درد و رنج در تمام اعضا و در عمق وجودش رخنه کرده و حوادث و فتنه‌ها، استبداد و خودکامگی دولت‌ها کمرش را خم نموده و غبار پیری بر چهره آن نشسته است.

درک مسلمانان از اسلام از حقیقت و روح آن بسیار فاصله داشت. آن‌ها اسلام را فقط در انجام بعضی اعمال، بدون توجه به روح و باطن آن خلاصه کرده بودند.

سرزمین تونس که همچون سایر بلاد اسلامی روزگاری مهد پریرکت اندیشه اسلامی و محل سر برافراشتن اندیشورانی همچون: ابن خزم، قرطبی و ابن خلدون بود، از این اوضاع اسف‌بار جهان اسلام مستثنی نبود. تونس از سال ۱۸۸۱ م تا سال ۱۹۵۶ م تحت اشغال فرانسه بود. و حکومت تونس کمرش زیر بار دیون خارجی خم شده و رشوه‌خواری و فساد در میان حاکمان و رؤسا رایج بود. عصبیت و قبیله پرستی جان گرفته، و استعمار فرانسه روز به روز نفوذش را بر تمام منافع مادی و معنوی می‌گستراند.

اما جوانه‌های حرکت‌های اصلاح‌طلب نیز همزمان با اوج سلطه دشمن در میان مسلمانان شروع به رویش نمود. مهمترین خیزش اصلاح‌طلب آن عصر به قیادت و رهبری سید جمال‌الدین اسدآبادی (۱۲۵۴ تا

۱. منابع مورد استفاده در این بخش در پایان آن آورده شده است.

۱۳۱۴ ه. ق) رسالت بیدارگری امت اسلامی و احیای تفکر قرآنی را به عهده گرفت او به همراه عده‌ای از همفکرانش همچون شیخ محمد عبده (۱۲۶۶ تا ۱۳۲۳ ه. ق) که از عالمان دیار مصر بود با تکیه بر جامعیت دین اسلام و لزوم بازگشت به قرآن به عنوان کتاب زندگی، «تنویر عقول» و «تطهیر نفوس» را شعار حرکت روشنگرانه خود نمودند.

سید جمال، دین را برای جامعه امری ضروری می‌شمرد و قرآن را بزرگترین محرک مسلمانان برای مبارزه با استعمار می‌یافت او در مقالات «عروة الوثقی» که گویای آگاهی عمیق او نسبت به قرآن بود خواستار انقلاب همه جانبه در امت اسلامی بر پایه قرآن بود.

محمد عبده که قائل به جهاد فکری و تربیتی بود راه ایجاد اصلاحات اجتماعی را در اصلاح فرهنگی و اخلاقی می‌دانست در این عصر در الجزایر هم عبدالحمید بن بادیس (۱۳۰۹ تا ۱۳۶۰ ه. ق) علاوه بر تبعیت از ایده‌های نظری محمد عبده، عملاً نیز وارد میدان اصلاح اجتماعی و بسیج مردم علیه استعمار فرانسه شد او با تأسیس مدارس در نواحی مختلف الجزایر و فرستادن عواملی به شهرها و روستاها در جهت بیان راه‌های اصلاح فرهنگی و اجتماعی بر پایه قرآن و آشنایی هر چه بیشتر مردم با نظام نجات بخش اسلام تلاش وافری انجام داد.

محمد الامین شنیطی در موریتانی و احمد زرام الطرابلسی در لیبی از منادیان اصلاح‌گری بر مبنای قرآن در عصر «ابن عاشور» بودند.

فصل دوم: زندگینامه

الف) ولادت، رشد، بالندگی، وفات

«ابن عاشور» جزء افراد خاندانی است مالکی مذهب که در سده‌های ۱۱ تا ۱۴ ه. ق عالمان و فرزاندانی از آن برخاستند و در تونس عهده‌دار مناصب مهمی شدند. جدّ اعلی این خانواده به سبب آزار مسیحیان اسپانیا، آنجا را ترک و به مغرب بازگشته بود. در سال ۱۸۷۹ میلادی برابر با ۱۲۹۶ هجری خانه شیخ محمد العزیز بوعثور واقع در بندری در شمال تونس شاهد ولادت فرزند پسریش بود که به نام پدر بزرگش «محمد طاهر» نامگذاری شد. کودکی که بعدها، منشأ تحولات بسیاری در حوزه فرهنگ و اندیشه اسلامی در کشور تونس شد. کفالت این کودک را جدّ مادری او شیخ محمد العزیز بوعثور که دارای منصب صدارت بود به عهده گرفت او که از دست پروردگان جدّ پدری «ابن عاشور» بود به این کودک توجهی خاص می‌نمود. او از شش سالگی خواندن و نوشتن و حفظ قرآن را آغاز نمود و به او اجازه یادگیری زبان فرانسه هم داده شد. در سال ۱۳۱۰ ه. ق در ۱۴ سالگی وارد «دانشگاه زیتونه»^۱ شد و در مدت تحصیل خود علاوه بر علوم دینی مثل ادبیات عرب، معانی بیان،

۱. جامع زیتونه یکی از پایگاه‌های بزرگ و کهن بار فرهنگ اسلامی است. مسجد از زمان پیامبر از جایگاه مرمی و علمی برخوردار بوده و توجه خاص پیامبر به این مسأله، عامل تشویق مردم به تعلیم و تعلم بود و سبب شد که به صورت پایگاهی علمی و سیاسی درآیند. مسجد نبوی در مدینه، مسجد جامع بصره، مسجد جامع کوفه، مسجد جامع اموی و جامع فیروان در سده اول نباشد و در سده دوم شاهد تأسیس مساجد جامعی هستیم که نقش عظیمی را در شکوفایی و رشد فرهنگ اسلامی ایفا

فقه و اصول بعضی از علوم جدید مثل ریاضی را نیز فراگرفت. هنگام گسترش نفوذ فرانسه عمر او دو سال بود و زمانی که «ابن عاشور» ایام نوجوانی و جوانی را پشت سر می‌گذاشت زمان آکنده از حوادث و حرکت‌های اصلاحی مردمی و تألیفات بیدارگرانه بود.

خصوصیاتی که محمد طاهر «ابن عاشور» را از دیگران ممتاز می‌ساخت قدرت حافظه، هوش سرشار، همت بلند، فصاحت بیان و معلوماتی فراوان بود. هنگام پاسخگویی به سؤال چنان به کتب مختلف استشهاد می‌نمود که گویی از روی کتاب می‌خواند.

او از نظر اخلاقی مردی بسیار صبور بر ناملازمات بود، حفاظت شدید بر واجبات و آداب دینی، سخاوت، کرامت نفس و صداقت از خصوصیات بارز اخلاقی او بود. به اهل علم علاقه فراوانی داشت و در نقدهای علمی و مناقشات به هیچ عنوان شخصیت افراد را خدشه‌دار نمی‌نمود. «ابن عاشور» پس از عمری سراسر تلاش در جهت ارتقای سطح فرهنگ دینی مسلمانان کشورش در روز یکشنبه ۱۳ رجب سال ۱۳۹۳ ه. ق برابر با ۱۲ اوت ۱۹۷۳ به رفیق اعلی پیوست.

ب) فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی «ابن عاشور»

در زمینه مسائل اجتماعی «ابن عاشور» به امور بسیاری مبادرت ورزید که مهم‌ترین آنان عبارت است از:

کرده‌اند. جامع زیتونه در سال ۱۱۴ ه. ق به دست عییدالله بن حبیب سلولی، والی مصر بنا شد و علی بن زیاد تونسلی را به عنوان مدرس و محدث این جامع منصوب نمود. پس از تأسیس جامع الازهر در سال ۳۵۹ ه. ق پیوند ناگسستنی ازهر و زیتونه آغاز شد که در قرن هشتم تشکیل حلقه‌های درس و نوشتن کتاب‌های مختلف در زیتونه به حدی رو به فزونی نهاد که بسیاری از اهالی مصر از جمله ابن حجر برای تعلّم به جامع زیتونه سفر کردند. حتی ستون‌های جامع زیتونه به نام دانشمندان که دیرزمانی در کنار آن ستون‌ها تدریس می‌کردند شهرت یافته است مثل ستون ابن عرفه در دوره ابوفارس عبدالعزیز (۷۹۶ تا ۸۲۷ ه. ق) کتابخانه بزرگی در این دانشگاه تأسیس گردید.

به نقل از: دانشگاه زیتونه، طاهر معموری، ترجمه زهرا خسروی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۸، صص ۱۷، ۱۸، ۸۳،

۱. ایشان توجّهی خاصّ به حفظ و نگهداری کتاب‌های خطی در دانشگاه زیتونه و کتابخانه عبدلّه و صادقیه از سال ۱۹۰۵ تا ۱۹۶۰ م داشت.

۲. سال ۱۹۰۷ م به عنوان نماینده‌ای از طرف حکومت برای نظارت علمی بر دانشگاه زیتونه تعیین شد.

۳. از طرف کمیته اصلاح برنامه دانشگاه زیتونه موظّف به تهیه جزوه‌ای در مورد وضعیّت تعلیمی آنجا شد.

۴. در سال ۱۳۲۹ هـ. ق به عنوان عضو مجلس اوقاف منسوب شد و سپس به مدت دو سال قضاوت براساس فقه مالکی را به عهده داشت. در سال ۱۳۴۵ هـ. ق مفتی عام و در سال ۱۳۵۱ هـ. ق مشاورت حکومت در امور دینی و شیخ الاسلامی فقه مالکی را به عهده داشت. لقب شیخ اعظم زیتونه مخصوص «ابن عاشور» بود.

چنانچه در فصل قبل اشاره شد «ابن عاشور» از نظر فکری بسیار تحت تأثیر افکار اصلاح‌گرایانه عصر خود خصوصاً اندیشه‌های شیخ محمد عبده می‌باشد ایشان دو بار از تونس دیدار کرد و محیط و اوضاع فرهنگی تونس را بسیار برای رشد افکار اصلاح آماده یافت در سفر اوّل (۱۸۸۴ تا ۱۸۸۵ م) «ابن عاشور» کودکی بیش نبود اگر چه به جهت زندگی در کنار جدّ مادری و پدرش در جریان این‌گونه مسائل واقع می‌شد اما در دیدار دوم در سال ۱۹۰۳ م «ابن عاشور» جوانی ۲۳ ساله و دارای مدارج علمی فراوان بود. سخنرانی‌ها و مقالات شیخ محمد عبده که به ریشه‌یابی و سبب عقب‌افتادگی مسلمانان و سیطره بیگانه بر آنان می‌پرداخت و راه علاج آن را بازگشت مسلمانان به قرآن فهم روح و معانی قرآن و عمل به آن می‌دانست، تأثیری عمیق در افکار این جوان گذاشت او در خطبه‌ای که در برابر استاد خواند می‌گوید: «زیارت شما نورانیتهی همراه با محبّت فراوان در وجود من ایجاد نمود. استاد از این اظهار وابستگی من نباید متعجب باشد اگر چه اوّلین باری است که او را زیارت می‌کنم اما آثار و ذکرو یاد او را قبلاً بسیار شنیده بودم». تأثیر افکار محمد عبده در آراء اصلاحی و کتاب‌های «ابن عاشور» خصوصاً در «اصول النظام الاجتماعی فی الاسلام» ظاهر گردیده است.

«ابن عاشور» در جهت تحقق اهداف اصلاحی خود مهم‌ترین عمل اصلاح‌گرانه خود را در برنامه‌های تعلیمی دانشگاه زیتونه پیاده نمود از موفقیت‌های بزرگ او تأسیس شعبه‌های مختلف زیتونه در سراسر کشور بود تعداد این شعبه‌ها به ۲۷ مرکز رسید که شعبه‌هایی از آن را به تحصیل زنان اختصاص داد. عدد طلاب زیتونه از سه هزار نفر به ۲۵ هزار نفر رسید.

او نظام منظمی برای امتحانات قرار داد و کمیته‌ای را برای نظارت دقیق بر این امر گماشت.

کلاس‌هایی را برای اساتید زیتونه قرار داد تا آن‌ها را با روش‌های صحیح، مختلف و جدید تدریس آشنا نماید در کتاب‌های درسی زیتونه که شاید قرن‌ها بود که تغییر نکرده بود تجدیدنظر نمود. «ابن عاشور» معتقد بود که زیتونه باید همراه با نیازها و مقتضیات زمان و مکان پیش رود و در جهانی که روز به روز تضارب آرا و ارتباط افکار بین ملت‌های مسلمان و غیر مسلمان بیش‌تر می‌شود طلبه و دانشجوی تونسی نباید از لحاظ علمی از سایرین کمتر باشد. به همین جهت او برای تحقق این هدف، یادگیری دروسی مثل ریاضیات، فلسفه، تاریخ و زبان انگلیسی را در کنار دروس دینی قرار داد. «ابن عاشور» برای عملی کردن افکار اصلاحی خود در زیتونه مشکلات فراوانی را متحمل شد، و معارضان زیادی را همچون محمد بیرم، طاهر جعفر، صالح شریف در برابر خود داشت.

«ابن عاشور» در طول حیات علمی سیاسی و اجتماعی خود با حوادث مختلفی مواجه شد که به نمونه‌ای

از آن اشاره می‌نماییم:

- حوادث «تجنیس» از حوادثی است که «ابن عاشور» به گونه‌ای در آن درگیر شد در سال ۱۹۱۰ م قانونی از طرف دولت تونس برای تحقق اهداف استعمار فرانسه صادر شد که به مردم تونس اجازه می‌داد که شناسنامه فرانسوی بگیرند. برای این افراد امتیازات خاص اقتصادی و اجتماعی در نظر گرفته شده بود. در پی این قانون حوادثی بوجود آمد که علمای مسلمان، افراد عامل به این قانون را مرتد خوانده و از دفن آن‌ها در قبرستان مسلمانان منع می‌کردند. موضع‌گیری شدید مردم در برابر این قانون دولت را بر آن داشت که طبق نقشه و برای ایجاد اختلاف بین عالمان مسلمان از مجلس علمای مالکی مذهب به ریاست «ابن عاشور» سؤالی بپرسند که

مضمون آن چنین بود: اگر فردی که شناسنامه فرانسوی گرفته به نزد قاضی آمد و شهادتین را به زبان آورد و اعلام کرد که بر احکام اسلام و قوانین آن پایدار است آیا از تمام حقوق مسلمانان برخوردار است و آیا بعد از وفات در قبرستان مسلمانان دفن می شود؟

«ابن عاشور» در پاسخ بیان کرد که باید این شخص هنگام گفتن شهادتین اعلام کند که از تبعیت فرانسه خارج می شود. پس از این فتوی در جرائد و نشریات و محافل علما موجی از اعتراض علیه شیخ به وجود آمد و حتی تظاهرات و اعتصابات رخ داد که شیخ را خائن و همدست استعمار قلمداد می نمودند این جریان غم انگیز شخصیت دینی و وطنی شیخ را آماج افترا قرار داد ولی شیخ بر دشواری این حادثه غم انگیز که سی سال به طول انجامید صبر کرد و هیچ بیانیه ای و یا شکایتی علیه مخالفان مطرح نکرد.

- همچنین در جریان فتوای ترنسفالیه «ابن عاشور» از حامیان امام محمد عبده در پاسخ به این استفتا بود در این استفتا مردی از ترنسفال^۱ سؤال کرده بود که آیا پوشیدن کلاه مخصوص خارجی ها و خوردن گوشت ذبیح نصاری جایز است؟ و آیا نماز جماعت شافعی پشت امام جماعت حنفی صحیح است؟ شیخ محمد عبده پاسخ داد: پوشیدن قبعه (کلاه مخصوص) اگر به قصد خروج از اسلام نباشد جایز است و خوردن طعام اهل کتاب نیز جایز است به استناد آیه شریفه ﴿طعام الذین اتوا الكتاب حل لکم﴾ و نماز هر فرقه ای پشت سرفره دیگر صحیح است چرا که عدم صحت آن سبب بروز اختلافات فراوان بین مسلمانان می شود. حمایت ابن عاشور از فتوای امام محمد عبده نیز در بین علمای تونس مخالفت هایی را در پی داشت.

فصل سوم: فعالیت‌های علمی

الف) تحصیلات مؤلف

چنانچه قبلاً اشاره شد محمد طاهر در ۱۴ سالگی وارد جامع زیتونه شد و نحو، بلاغت، لغت و منطق، علم کلام، فقه، اصول فقه، حدیث، سیره و تاریخ، علمی بود که در طول هفت سال فراگرفت مهمترین اساتید او عبارتند از:

۱. شیخ محمد العزیز بو عثور که برای نوه‌اش توجهی خاص را مبذول می‌ساخت حتی به خط خود نسخه‌ای از مفتاح سکاکی و بخاری را برای او نوشت.

۲. عمر بن الشیخ.

۳. شیخ سالم بو حاجب.

«ابن عاشور» همیشه از اساتیدش به بزرگی یاد می‌نمود خصوصاً از شیخ سالم بو حاجب که مراحل عالی درس حدیث و سنت را نزد او فراگرفت.

«ابن عاشور» از مدرسین پرآوازه و بلندمرتبه جامع زیتونه محسوب می‌شد. مشهورترین درس او درس تفسیر بود که در دقت و بیان عمق معانی و پژوهش‌های فراوان در اطراف آیات، ممتاز بود *مجلة الهدایة الاسلامیه* و *المجلة الزيتونة* این دروس را منتشر می‌کردند که *تفسیر التحریر و التتویر* حاصل این دروس است.

دیگر کتبی که «ابن عاشور» تدریس آن را به عهده داشت عبارت بود از: *دلایل الاعجاز عبدالقاهر جرجانی* و

الشرح المطول سعدالدین تفتازانی و مقدمه ابن خلدون، موطأ مالک و دیوان الحماسه ابوتمام.

«ابن عاشور» در هر موضوعی که تدریس می‌نمود کتابی نوشته است.

او با متفکران غربی و فلاسفه و مستشرقین نیز جلسات گفتگو داشت. از آن جمله است دیدار «ابن عاشور» با «اوبنهایم» مستشرقی که در مباحث فلسفی و دینی و مقایسه بین ادیان و مذاهب فکری معروف بود. این مستشرق در سال ۱۹۰۵ م از تونس دیدار نمود. چنانچه شیخ همراه فرزندش محمد فاضل بن عاشور در کنفرانس مستشرقین در استامبول در سال ۱۹۵۱ م شرکت نمود شهرت علمی «ابن عاشور» موجب شد که او در سال ۱۹۵۰ م به عنوان عضوی از مجمع اللغه العربیه در قاهره و در مجمع العلمی العربی در دمشق به سال ۱۹۵۵ منصوب گردد.

بزرگترین نشان فرهنگی تونس در سال ۱۹۶۵ م از طرف دولت به شیخ محمد طاهر بن عاشور اهدا

گردید.

ب) تألیفات

اگر به وسعت تألیفات «ابن عاشور» از جهت تنوع موضوعات و ارزش علمی فراوان آن توجه شود، باید اقرار نمود که «ابن عاشور» در بین هم‌ردیفان از عصر خود فردی منحصر به فرد بوده است. چرا که کتاب‌های او در همه زمینه‌های قرآن، حدیث، فقه، اصول فقه، نحو، ادب، اجتماع، تاریخ، رجال، حکمت می‌باشد.

آثار «ابن عاشور» بعضی طبع و نشر یافته و بعضی به صورت خطی باقی مانده است:

آثار منتشر شده «ابن عاشور» عبارت است از:

۱. تحریر المعنی السدید و تنویر العقل الجدید من تفسیر الکتاب المجید.

«ابن عاشور» در این اثر علمی که افتخار تونس در زمینه تفسیر قرآن می‌باشد کاملاً این نکته را ثابت کرده

است که قرآن جامع مصالح دین و دنیا است خود او اقدام بر نوشتن تفسیر را:

«اقدام الشجاع علی وادی السباع»^۱

وارد شدن شخص شجاع به سرزمین درندگان.

توصیف می‌کند. «ابن عاشور» در پایان تفسیرش بیان می‌کند: «نوشتن این تفسیر ۳۹ سال و شش ماه به درازا کشید.»^۲ این کتاب معرف بسیار دقیق و مناسبی برای شناخت شخصیت فرهنگی و علمی «ابن عاشور» است که در بخش دوم این رساله مفصلاً به بررسی این تفسیر خواهیم پرداخت.

۲. مقاصد الشریعة الاسلامیة.

«ابن عاشور» معتقد بود که بحث‌های فقهی نیاز به اصولی دارد که سبب و ضرورت آن احکام فقهی را روشن کند. «ابن عاشور» در این کتاب کوشش می‌کند که ادله ضروری یا نزدیک به ضروری احکام فقهی را رسم و تبیین نماید. مقاصد الشریعة از جهت شمول و عمق نگاه مؤلف به مسائل شرعی اثر بزرگی است در علم «مقاصد الشریعة».

۳. حاشیة التوضیح و التصحیح لمشکلات التنقیح علی شرح تنقیح الاصول فی الاصول.

این کتاب جمع‌آوری شروح کتاب تنقیح الاصول قرافی می‌باشد که همزمان با تدریس آن نوشته شده است.

۴. اصول النظام الاجتماعی فی الاسلام.

در این کتاب مؤلف علل پیشرفت و انحطاط جامعه اسلامی را بررسی کرده اصول و مبانی اسلام را جهت برقراری یک نظام اجتماعی صحیح را تبیین می‌نماید.

۵. ألیس الصبح بقریب.

۱. این کلام را عرب در جایی استفاده می‌کند که شخصی در میدان خطر و سختی شجاعانه وارد می‌شود.

۲. التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور التونسی، محمد الطاهر ابن عاشور، بیروت، مؤسسه التاریخ، چاپ اول،

این کتاب که در سال ۱۹۰۳ م آغاز و در سال ۱۹۶۷ م به پایان رسید شامل سه بخش است. بخش اول به مقدمات عمومی و کلی در باب تاریخ تعلیم در جهان اسلام مربوط است. در بخش دوم به وضعیت تعلیم در دانشگاه زیتونه می‌پردازد و در بخش سوم برنامه اصلاحی خود را که بر سه محور ۱. اصلاح نظام، ۲. اصلاح تألیف، ۳. اصلاح و روش تدریس مدرسین استوار است تبیین می‌کند.

۶. کشف المغطی من المعانی الالفاظ الواقعة فی الموطأ.

این کتاب قبل از التحریر و التنویر نوشته شده و حاوی نکات و پژوهش‌هایی است که استاد ضمن تدریس آن، جمع‌آوری کرده است که بیش‌تر مربوط به معانی الفاظی است که مشکل است یا نسبت به تفسیر و معنای آن سهل‌انگاری صورت گرفته است.

۷. نقد علمی لکتاب الاسلام و اصول الحکم.

«ابن عاشور» کتاب علی عبدالرزاق را که در سال ۱۳۵۰ نوشته شده است نقد نموده است.

۸. النظر الفسیح عند مضایق الانظار فی الجامع الصحیح.

این کتاب نظرات «ابن عاشور» در مورد شارحین و شرح‌های صحیح بخاری می‌باشد.

۹. رسالة فقهیه حول الفتاوی الترنسفالیه.

در این کتاب استاد از رأی امام محمد عبده مفصلاً دفاع می‌نماید.

۱۰. قصّة المولد.

کتاب کوچکی است در نسب پیامبر و زندگی و بعثت و هجرت، فرزندان و اخلاق آن بزرگوار.

۱۱. اصول الانشاء و الخطابه.

این کتاب به قواعد عمومی انشاء و خطابه پرداخته است.

۱۲. اصول التقدّم و المدینه فی الاسلام.

برگرفته از سخنرانی‌های «ابن عاشور» در «جامعة الخلدونیه» می‌باشد.

۱۳. موجز البلاغة که برای تدریس در جامع زیتونه تدوین شده است.

١٤. شرح و تحقیق المقدمة الادبية للمرزوقى.

اما كتاب هايى از «ابن عاشور» هنوز به صورت خطى باقى مانده است كه فهرست موضوعات آن به شرح ذيل است:

١. رسالة القدرة والتقدر.
٢. قلائد العقيان شرح و تحقيق و اكمال.
٣. الفتاوى.
٤. قضايا و احكام شرعيه.
٥. مسائل فقهية و علمية تكثر الحاجة اليها و يعول فى الاحكام عليها.
٦. تعليق و تحقيق على حديث ام زرع.
٧. آراء اجتهادية.
٨. آمال على مختصر خليل.
٩. تحقيق و تعليق على كتاب خلف الاحمر المعروف بمقدمة فى النحو.
١٠. تعاليق على المطول و حاشية السيلكوتى.
١١. آمال على دلائل الاعجاز.
١٢. تراجم لبعض الاعلام.
١٣. تحقيق و تصريح و تعليق على كتاب «الاقتضاب» لابن السيد البطلبيوسى.
١٤. جمع و شرح ديوان سحيم.
١٥. شرح معلقة امرئ القيس.
١٦. شرح ديوان الحماسة.
١٧. مراجعات تتعلق بكتابتى: احمد و اللامع للعزيرى.
١٨. تحقيق لشرح القرشى على ديوان المتنبى.

۱۹. غرائب الاستعمال.

۲۰. تصحیح و تعلیق علی کتاب، الانتصار لجالینوس للحکیم ابن زهر.

۲۱. کتاب تاریخ العرب.

۲۲. شرح دیوار بشار.

۲۳. شرح قصیده الاعشى فی مدح محلق.

۲۴. دیوان النابغة الذبیانی (جمع، شرح، تعلیق..)

مطالب بعضی از این کتب که به صورت سخنرانی یا مقاله بوده است، در مجلات تونس و کشورهای عربی به چاپ رسیده است. مجلات و روزنامه‌هایی که مقالات «ابن عاشور» را چاپ می‌کردند عبارتند از: السعادة العظمی، المجلة الزيتونة، هدی الاسلام، نور الاسلام، مصباح الشرق، مجلة الهدایته الاسلامیه، مجلة مجمع اللغة العربیة بالقاهرة، مجلة المجمع العلمی بدمشق، المنار، الرسالة، الثریا.

«ابن عاشور» با حضوری فعال و بانشاط در صحنه فکر و اندیشه اسلامی درخشید و با آثار علمی و کوشش‌های اصلاح طلبانه و مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن روح تازه‌ای در کالبد امت اسلامی دمید.^۱

۱. مطالب این فصل برگزیده‌ای است از کتاب‌های:

شیخ الجامع الاعظم محمد الطاهر بن عاشور، حیات و آثاره، بلغاسم العالی، بیروت. دار ابن حزم، چاپ اول، ۱۹۹۶ م.
 الشیخ محمد الطاهر بن عاشور و کتابه، مقاصد الشریعة الاسلامیه، محمد الطاهر المیساوی، چاپ البصائر الانتاج العلمی، مالزی، چاپ اول، ۱۹۹۸ م.
 نظریة المقاصد عند الامام محمد طاهر بن عاشور، اسماعیل حسنی، المعهد العالمی للفکر الاسلامی آمریکا ویرجینیا، ۱۹۹۵ م، چاپ اول.

الحركة الادبية الفكرية، محمد فاضل بن عاشور، دار التوسیه للنشر، چاپ اول، ۱۹۷۳ م، صص ۷ تا ۱۸.
 تراجم المؤلفین التونسیین، محفوظ محمد، بیروت، دار المغرب الاسلامی، چاپ اول، ۱۹۸۴ م، ج ۲، صص ۳۰۴ تا ۳۱۴.
 اعلام تونسین، صادق زمرلی، بیروت، دار المغرب الاسلامی، چاپ اول، ۱۹۸۶ م، صص ۳۴۹ تا ۳۵۴ و ۳۶۱ تا ۳۶۷.

بخش دوم:

تفسیر التحریر و التنویر

فصل اول: نگاه کلی به تفسیر

فصل دوم: شیوه تفسیری ابن عاشور

فصل سوم: مسائل کلامی در التحریر و التنویر

فصل چهارم: اهل بیت در التحریر و التنویر

فصل پنجم: علوم قرآن در التحریر و التنویر

فصل اوّل:

نگاه کلی به تفسیر

الف) انگیزه مؤلف از نوشتن تفسیر

ب) مشخصات تفسیر التحریر و التنویر

ج) معنای تفسیر و تأویل از دیدگاه ابن عاشور

د) هدف مفسّر از دیدگاه ابن عاشور

ه) مقدمات تفسیر از دیدگاه ابن عاشور

و) منابع تفسیر التحریر و التنویر

الف) انگیزه مؤلف از نوشتن تفسیر

مؤلف بزرگوار درباره انگیزه نگارش کتاب *التحریر و التئویر* چنین نوشته است:

«از دیرباز آرزویم نوشتن تفسیر کتاب مجید بود؛ کتابی که جامع مصالح دین و دنیا و ریسمان محکمی برای وصول به حقیقت است، اما دائماً برای شروع به کتابت آن به خود وعده آینده را می‌دادم و به دنبال شرایطی بودم که نیل به این هدف مشکل را برای من آسان سازد... تا این که پس از کناره‌گیری از منصب قضاوت در سال ۱۳۴۱ هجری قمری تمام همّت خود را برای تحقق این آرزو صرف نموده و با تصمیم بر این که دیگر هیچ چیزی نتواند مانع کوشش من شود کتاب تفسیر را آغاز نمودم و بر خود لازم دانستم به آنچه پیشینیان نگاهشته‌اند بنگرم، بپیرایم و بیفزایم بدون این که میراث آنان را تباه سازم و یا نگاهشته‌های آنان را سبک بشمارم. اگر چه تفاسیر فراوانی بر قرآن نوشته شده است اما بیش‌تر آن‌ها جمع کلمات مفسران گذشته است با کمی تفاوت در خلاصه بودن یا مفصل بودن.^۱»

مؤلف محترم در مقدمه کتاب درباره مسائلی که در تفسیرش برای او حائز اهمیت بوده است چنین

می‌گوید:

چون هیچ آیه و کلمه‌ای از قرآن نیست که از فصاحت و بلاغت خارج باشد از این روی بر خود لازم دانستم که در تفسیر تمام آیات در بیان وجوه اعجاز و نکته‌های فصاحت و بلاغت آن البته به مقدار درک و

اندیشه خود سخن بگویم همچنین به بیان وجوه تناسب آیات با یکدیگر به ویژه همّت ورزیدم اما بیان وجوه مناسبت بین سوره‌ها را در قرآن وظیفه مفسّر نمی‌دانم پس بدان نپرداختم و از تفسیر هیچ سوره‌ای فارغ نشدم مگر این‌که تمام اهداف سوره را بیان نمودم. کوشیده‌ام معانی واژه‌ها را براساس موازین لغت عرب تبیین نمایم و این در حالی بود که قاموس لغت در بسیاری از موارد فاقد این نکات بوده است در این تفسیر بهترین‌ها از دیگر تفاسیر گزینش شده و اضافه بر آن مطالبی در آن آمده که بهتر از سایر تفاسیر است.^۱

ب) مشخصات تفسیر التحریر و التئویر

«ابن عاشور» مبانی تفسیری خود را ضمن مقدمه‌ای در یکصد و بیست و هشت صفحه و ذیل ده محور به تفصیل نگاشته است آن ده محور عبارتند از:^۲

۱. تعریف، تفسیر و تأویل.
۲. دانش‌های لازم برای علم تفسیر.
۳. امکان تفسیر روایی و صحت آن‌ها.
۴. اهداف علم تفسیر و مفسران قرآن.
۵. سبب نزول آیات.
۶. قرائات و میزان نقش آن‌ها در تفسیر.
۷. اخبار و قصّه‌های قرآنی.
۸. نام قرآن و آیه‌ها و سوره‌های آن و چگونگی نامگذاری آن‌ها.
۹. مقصود بودن معنای ظاهری آیات.

۱. التحریر و التئویر، ج ۱، ص ۸.

۲. همان، ج ۴، صص ۵ تا ۷.

۱۰. اعجاز قرآن و چگونگی ابعاد آن.

پس از آن ابتدائاً در آغاز هر سوره در بخشی جداگانه از نام و یا نام‌های مختلف سوره و علت نامگذاری سخن می‌گوید سپس در مورد مکی یا مدنی بودن سوره و آیات مکی در سوره‌های مدنی و آیات مدنی در سوره‌های مکی اقوال مختلف را بیان کرده و نهایتاً یکی را ترجیح می‌دهد آن‌گاه در مورد تاریخ نزول سوره و ترتیب آن غالباً به صورت مختصر و گاهی مفصل به بحث پرداخته و بعد تعداد آیات سوره را بنابر شمارش‌های مختلف (اهل مدینه یا مکه یا شام و یا بصره) ذکر می‌نماید در بعضی از سوره‌ها مؤلف در مورد فضل قرائت سوره نیز روایتی را نقل می‌کند.

پیش از ورود به تفسیر آیات، «ابن عاشور» بحثی را تحت عنوان اهداف نزول سوره قرار داده است در این بخش مؤلف خلاصه محتوای سوره و مطالب مطرح شده در آن را به ترتیب و با مهارت در خور تحسینی بیان می‌کند.

آن‌گاه وارد تفسیر آیات شده یک یا چند آیه را آورده و جمله به جمله به تبیین واژه‌ها و تشریح معانی و ریشه‌های کلمات می‌پردازد و در این میان نکات نحوی و ادبی را خصوصاً اعراب جملات را مورد توجه خاص قرار می‌دهد. بیان چگونگی اتصال و تناسب آیات با یکدیگر از مطالبی است که «ابن عاشور» در آیه آیه قرآن به آن پرداخته است. در توضیح معنای آیه مؤلف محترم ضمن استفاده از اقوال بعضی از مفسران و تأیید یا نقد آن از مباحث فقهی و کلامی و فلسفی، اخلاقی استمداد می‌جوید «ابن عاشور» در ادامه نظرات تفسیری خود تا حدّ زیادی از پرداختن به مطالب پراکنده و یا نامأنوس و غیر مربوط به آیه اجتناب کرده است.

«ابن عاشور» تمام کوشش خود را در تفسیر هر آیه در جهت کشف حوزه‌های بلاغی آموزه‌های کتاب الهی

نموده است. این تفسیرگران سنگ را «ابن عاشور» با نثری استوار و جذّاب همراه با نظم و اسلوب خاصی که در

تمام تفسیر رعایت شده در ۳۰ جلد به جهان اسلام عرضه داشته است.

ج) معنای تفسیر و تأویل از دیدگاه ابن عاشور

«ابن عاشور» تفسیر را علمی می‌داند که در آن از معانی الفاظ پرده‌برداری می‌شود این تبیین یا به صورت مفصل است و یا به صورت مجمل و خلاصه. به نظر مؤلف اطلاق علم به تفسیر نوعی تسامح است چرا که در هر علمی قضایای کلیه‌ای، ثابت می‌گردد اما در تفسیر معانی الفاظ و مدلولات التزامی آن‌ها که غالباً قضایای جزئی‌های هستند تبیین می‌گردد.^۱ او معتقد است: علم شمردن تفسیر مانند آن است که شرح شعر را علم بدانیم.^۲

یکی از مباحثی که معمولاً در کنار بحث در معنای تفسیر، مطرح می‌شود معنای تأویل می‌باشد چنانچه «ابن عاشور» نیز پس از توضیحاتی در مورد تفسیر به معنای تأویل پرداخته است.

تأویل که از کلمات کلیدی قرآن و از اصطلاحات علوم قرآنی است در لغت از ریشه «أول» و به معنای بازگشت می‌باشد. در مقایسه آمده است: «تأویل الکلام» یعنی عاقبت آن و آن چه به او رجوع می‌کند.^۳ معنای اصطلاحی تأویل محلّ ظهور اختلاف نظرهای فراوان شده است. واژه تأویل ۱۷ بار در قرآن به کار رفته است. مشهورترین اقوال در مورد معنای اصطلاحی تأویل از گذشته تا حال عبارت است از:

- تأویل به همان معنای تفسیر می‌باشد.^۴
- تأویل یعنی برگرداندن یکی از دو یا چند احتمال به بیان مطابق ظاهر.^۵
- تأویل تبیین معنای متشابه قرآن است.
- تأویل برگرداندن کلام به معنای خلاف ظاهر به دلیل وجود قرینه می‌باشد.

۱. التحریر و التنویر، ج ۱، ص ۱۱؛ مؤلف شش وجه را برای توجیه اطلاق علم بر تفسیر بیان می‌کند.

۲. شیخ الجامع الاعظم محمد طاهر بن عاشور، حیات و آثاره، ص ۷۵ به نقل از ألیس الصبح بقرب.

۳. مقایسه اللغة، احمد بن فارس، مصر، مطبعة مصطفى البابي، چاپ دوم، ۱۹۶۹ م، ج ۱، ص ۱۶۲.

۴. الجامع لاحکام القرآن، محمد بن احمد الانصاری القرطبی، مصر، دار الکتب المصریة، چاپ سوم، ۱۹۶۷ م، ج ۴، ص ۱۵.

۵. الاتقان فی علوم القرآن، جلال‌الدین السیوطی، قم، منشورات الرضی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ هـ. ش، ج ۲، ص ۱۹۲.

- تأویل وجود خارجی و عینی معانی است.

- مراد از تأویل حقیقتی است که بیانات قرآنی بدان استناد یافته و این حقیقت که مربوط به همه آیات

قرآن می باشد از امور عینی است که در قالب الفاظ نمی گنجد.^۱

اما «ابن عاشور» ضمن اشاره به این که عادت مفسرین پرداختن مفصل به بحث تأویل می باشد خود با نگاهی گذرا به این بحث اقوال مختلف در مورد ارتباط معنای تفسیر و تأویل را دسته بندی نمود و می گوید: «بعضی همچون ابن الأعرابی و ابو عبیده تفسیر و تأویل را به یک معنا دانسته و بعضی تفسیر را برای معنای ظاهر و تأویل را برای متشابه به کار می برند و بعضی آن را برگرداندن لفظ از ظاهر معنایش به معنای محتمل دیگر به دلیل وجود قرینه می دانند که این همان معنای اصولی تأویل است.

در این مورد اقوال دیگری وجود دارد که قابل اعتنا نیستند و آنچه که لغت و کاربردهای تأویل شهادت می دهد این است که تأویل و تفسیر به یک معنا هستند. چرا که تأویل به معنای بازگشت به هدف و مقصود در الفاظ است و بیان معنای لفظ همان تفسیر آن است البته این نکته قابل توجه است که تأویل در جایی اطلاق می شود که یک معنای پنهان و غیر ظاهر بیان گردد».^۲

«ابن عاشور» در آیه:

﴿ذٰلِكَ خَيْرٌ وَّ اَحْسَنُ تَاوِيْلًا﴾^۳

... این بهتر و سرانجامش نیکوتر است.

تأویل را با توجه به اصل لغت آن عاقبت، معنا نموده است. «أحسن تأویلاً یعنی أحسن إرجاعاً».^۴

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، سید حسین طباطبائی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۹۷۳ م، ج ۱۳، ص ۳۶۷،

ج ۳، ص ۴۹.

۲. التحریر و التنویر، ج ۱، صص ۱۴ و ۱۵.

۳. اسراء / ۳۵.

۴. التحریر و التنویر، ج ۱۴، ص ۸۰.

در آیه:

﴿وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ﴾^۱

و تعبیر خواب می آموزد [تورا].

می گوید مراد از تأویل برگرداندن شی به حقیقت آن و برگرداندن حوادث به علل و اسباب آن می باشد و مراد از احادیث می تواند حوادث و یا خواب هر دو باشد بنابر صحیح بودن استعمال لفظ مشترک در دو معنا.^۲
در آیه ۳۶ و ۳۷ و ۴۴ و ۴۵ و ۱۰۰ و ۱۰۱ سوره یوسف نیز مراد از واژه تأویل را تعبیر خواب بیان می کند در بقیه موارد ذکر واژه تأویل، آن را به تفسیر و توضیح آن چه که مخفی و پوشیده است، تفسیر می نماید.^۳

د) هدف مفسر از دیدگاه ابن عاشور

«ابن عاشور» درباره آن چه که سزاوار است هدف مفسر از تفسیر باشد چنین می گوید:

«تبیین و تحقیق درباره اهداف و مقاصد نزول قرآن ما را در بیان آن چه که شایسته است هدف مفسر از تفسیر باشد یاری می دهد آنگاه می توان درباره این که هر مفسری تا چه حد توانسته است مقاصد قرآن را محقق نماید قضاوت نمود.

قرآن کتابی است که برترین هدف از نزول آن، اصلاح احوال فردی، اجتماعی، و ایجاد جامعه ای صالح و آباد می باشد مراد از اصلاح فردی تهذیب نفس و تطهیر آن از صفات ناپسند، اعتقاد صالح و التزام به انجام اوامر و عبادات الهی می باشد.

اما اصلاح اجتماعی که پس از اصلاح فردی حاصل می شود سبب تنظیم روابط و اعمال مردم نسبت به

۱. یوسف / ۶.

۲. التحریر و التنویر، ج ۱۲، ص ۲۰.

۳. همان، ج ۱۵، ص ۱۱۶.

یکدیگر به دور از تسلط قوای نفسانی و شهوات می‌شود.

اما «سامان بخشی جامعه» که از همه گسترده تر می‌باشد عبارت است از حفظ نظام اسلامی و قرار گرفتن روابط بین گروه‌ها و کشورها تحت قوانینی خاص که مصالح تمام آن‌ها و مصالح کلی اسلام را تأمین نماید.^۱ سپس مؤلف اهداف نزول قرآن را در هشت مطلب بیان می‌کند:

۱. اصلاح اعتقاد که همین امر سبب ایجاد اخلاق صحیح می‌شود.

۲. تهذیب نفس.

۳. تشریح احکام خاص و عام.

۴. اصلاح جامعه و حفظ نظام آن که بخش عظیمی از قرآن در جهت تحقق این هدف نازل شده است.

۵. بیان سرگذشت و احوال گذشتگان برای اقتدا به اعمال خوب آنان و دوری از کردارهای ناشایست ایشان.

۶. بیان آنچه مربوط به شرایع گذشته می‌باشد و چگونگی روش بحث و گفتگو با گمراهان.

۷. نصیحت، بیم دادن و امید دادن.

۸. معجزه‌ای برای اثبات حقانیت پیامبر.

به نظر مؤلف با توجه به این اهداف است که می‌توان تفاسیر مختلف را ارزیابی و تحلیل نمود که آیا مفسر آیات را در جهت همین اهداف تفسیر نموده است و یا این که نسبت به آن‌ها کوتاهی داشته است و به اموری پرداخته که مطالعه کننده را از هدف اصلی منحرف می‌سازد.

این موضوع که مفسر گران قدر در آغاز تفسیرش به آن توجه کرده و مفضلاً به آن پرداخته است از دقت و

ژرف‌کاوی او حکایت می‌کند.

ه) مقدمات تفسیر از دیدگاه ابن عاشور

«ابن عاشور» دربارهٔ علومى که مفسّر باید از آنها کمک بگیرد و تفسیر متوقف بر آن است در مقدمهٔ دوم تفسیرش مى‌نویسد:

۱. قرآن کلامى است عربى و آشنایى با قواعد کلام عربى راهى است برای دستیابى به معانى آن و مراد ما از قواعد عربى مجموعه علومى است که به نحوى به زبان عربى مربوط است که عبارت است از: لغت، صرف، نحو، معای، بیان و پس از آن آشنایى با استعمال عرب که از تفحص و پژوهش در خطبه‌ها و اشعار و سخنان بلیغ آنها حاصل مى‌شود.^۱

به نظر مؤلف به سبب ممارست و قرائت و تدبّر فراوان در سخنان بلیغ و کتبی که اهل این فن آنها را تأیید مى‌کنند مانند معلقات، حماسه، نهج البلاغه، مقامات حریری و رسائل بدیع الزمان، ملکه و ذوقی در شخص ایجاد مى‌شود که مى‌تواند عظمت کلام الهی را در مسائل بلاغی و ادبی درک نماید.^۲

۲. آشنایى با علم حدیث که مراد سخنانى است که پیامبر در تفسیر واژه‌ها و آیات قرآن فرموده‌اند (البته این بخش از احادیث بسیار کم هستند) همچنین آنچه که از صحابه‌ای که شاهد وحی بودند درباره اسباب النزول ناسخ و منسوخ و تفسیر آیات نقل شده است. البته مراد سخنانى است که صحابه به نقل از پیامبر گفته‌اند: نه این که رأی خود آنها باشد.^۳

۳. آگاهی به احوال و اخبار عرب نیز مفسّر را در فهم و تفسیر آیات کمک مى‌کند چرا که هدف قرآن از بیان قصه‌ها القاء و تعلیم معانى دقیق و مفید است که فهم آیات منوط به این نوع آگاهی مى‌باشد.^۴

۴. درباره اصول فقه باید گفت که آشنایى با بخشی از آن از دو جهت برای مفسّر لازم است:

۱. التحرير والتنوير، ج ۱، ص ۱۶.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۹.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۱.

۴. همان، ج ۱، ص ۲۴.

اول این که در علم اصول فقه مسائل فراوانی مطرح می شود که در فهم لغت عربی مؤثر است و از طرف دیگر ضابطه ها و قواعد استنباط را بیان می کند که وسیله مفسر برای استنباط معانی شرعی از آیات می باشد. فقه از علومی نیست که آگاهی به آن برای تفسیر لازم باشد بلکه اگر مفسر خواست که تفسیر بعضی از آیات را بسط و گسترش دهد از فقه استفاده می کند اگر چه چنانچه بیضاوی اشاره کرده است آشنایی با تمام علوم دینی و صناعات ادبی و فنون ادبی برای مفسر سزاوار است.»

نکته ای که «ابن عاشور» هوشمندانه در پایان این مقدمه به آن اشاره کرده این است که مقدمه بودن این علوم برای تفسیر منافاتی با این که تفسیر قرآن در رأس علوم اسلامی است ندارد چرا که مراد از سرآمد بودن تفسیر نسبت به سایر علوم اصل و ریشه بودن اجمالی برای آنهاست.^۱

(و) منابع تفسیر التحریر و التنویر

در این قسمت به مهمترین منابعی که ابن عاشور در زمینه های مختلف لغوی، ادبی، تفسیری، کلامی، تاریخی و علوم قرآنی در تفسیر التحریر و التنویر به آن استناد کرده است اشاره نماییم:

۱. منابع لغوی

۱. قاموس المحيط، فیروز آبادی.
۲. جمهرة، ابن درید.
۳. مفردات، راغب.
۴. صحاح، جوهری.
۵. فقه اللغة، ثعالبی.

۶. لسان العرب، ابن منظور.

۷. تاج العروس، زبیدی.

۲. منابع ادبی (صرف و نحو)

۱. مغنی، ابن هشام.

۲. شرح تسهیل، ابن مالک.

۳. البیان والتیین، جاحظ.

۴. اعراب القرآن، عکبری.

۵. شرح منظومه، شاطبی.

۶. امالی، ابن حاجب.

۷. الکافیة، ابن حاجب.

۸. شرح مختصر، ابن حاجب ابن سبکی.

۹. المثل السائر، ابن اثیر.

۱۰. شرح الفصیح، مرزوقی.

۱۱. شرح الکافیة، رضی الدین استرآبادی.

۱۲. ایضاح المفصل، ابن حاجب.

۱۳. المزج علی المعنی، دمامینی.

۱۴. کلیات، جرجانی.

۱۵. الدرر والغرر، شریف مرتضی.

۱۶. رساله الخاقانیة، عبدالحکیم سلکوتی.

۱۷. دیباجة المقالات، حریری.

۳. معانی بیان

۱. المفتاح، سکاکی.
۲. حاشیة المطول، جرجانی.
۳. شرح تلخیص المفتاح، تفتازانی.
۴. شرح المفتاح، قطب الدین شیرازی.

۴. منابع حدیثی

۱. شرح صحیح مسلم، مازری.
۲. شرح صحیح مسلم، نووی.
۳. شرح صحیح مسلم، عیاضی.
۴. شعب الایمان، بیهقی.
۵. صحیح بخاری.
۶. صحیح ترمذی.
۷. مستند احمد.
۸. سنن ابن ماجة.
۹. سنن ابوداود.

۵. منابع تفسیری

۱. کشاف، زمخشری.
۲. المحرر الوجیز، ابن عطیه.
۳. شرح کشاف، طیبی.

۴. جامع البیان، طبری.
۵. التفسیر الکبیر، فخر رازی.
۶. روح المعانی، آلوسی.
۷. انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیضاوی.
۸. الجامع لاحکام القرآن، قرطبی.
۹. معالم التنزیل، بغوی.
۱۰. تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر.
۱۱. مجمع البیان، طبرسی.
۱۲. حاشیة علی الکشاف، قزوینی.
۱۳. حاشیة علی تفسیر البیضاوی، خفاجی.
۱۴. النکت و العیون، ماوردی.
۱۵. البحر المحیط، ابو حیان.
۱۶. تفسیر ابن عرفة، ابن عرفة.

۶. منابع کلامی

۱. شرح عقاید نسفی، تفتازانی.
۲. دلائل النبوة، ابن نعیم.
۳. المنقذ من الضلال، حجة الاسلام.
۴. العواصم من القواصم، ابن عربی.

۷. منابع تاریخی

۱. جمهرة، ابن حزم.
۲. الشفاء بتعريف حقوق المصطفى، عياضی.
۳. الروضی الانف، سهیلی.
۴. استيعاب، ابن عبدالبرّ.
۴. سيرة، ابن هشام.
۵. تاريخ، ابن خلدون.
۶. سيرة، ابن اسحاق.

۸. منابع علوم قرآنی.

۱. دلائل الاعجاز، عبدالقاهر.
۲. الحجّة على القرائات، ابوعلی فارسی.
۳. اسباب النزول، واحدی.
۴. الاتقان فی علوم القرآن، سیوطی.
۵. الناسخ و المنسوخ، حسن بن حصار.